

قرار های نظارت قضایی در حقوق کیفری نوین ایران

میلاذ امیری^۱، دکتر اسد الله مسعودی مقام^۲*

^۱ گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
^۲ دکتری فقه و حقوق جزا دانشگاه شهید مطهری و رئیس شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

چکیده

اعمال گسترده بازداشت موقت نسبت به متهمان در دو قرن اخیر موجب گردید پس از تشکیل سازمان ملل متحد و متعاقب آن تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر و ظهور مکاتبی همچون دفاع اجتماعی نوین، رعایت و احترام به حقوق و آزادی های افراد در مرحله تحقیقات مقدماتی مورد توجه جامعه بین الملل قرار گیرد. زیرا به هر جهت بازداشت موقت، نظام های عدالت کیفری را به نتیجه نامطلوبی هدایت می کند؛ از یک سو، می پذیریم که هنوز با متهم سر و کار داریم نه با مجرم و در نتیجه مطابق با اصل برائت حق مجازات و سلب آزادی وی را در مرحله تحقیقات مقدماتی و بازپرسی نداریم، و از سوی دیگر به بهانه دفاع از جامعه و اجرای صحیح عدالت، قرار بازداشت او را قبل از ثبوت مجرمیت، صادر می کنیم و در نتیجه سنگین ترین مجازات را که فلاکت و بی حیثیتی شخص تحت بررسی را به دنبال دارد، اعمال می شود. بر این اساس برخی از کشورها از جمله فرانسه در سال ۱۹۷۰ میلادی قرارهای نظارت قضایی را که توسط بازپرس بر علیه متهم صادر می شود و مشتمل است بر دستوراتی مبنی انجام فعل یا ترک فعل در مقابل بازداشت موقت پیش بینی نمود. حفظ و حمایت از حقوق متهم و کنترل و نظارت بهتر بر وی در محیطی غیر از زندان و حمایت از حقوق بزه دیده، ضروریات تحقیق و پیشگیری از ارتکاب جرم از اهداف اصلی این قرارها است. قانونگذار ایران در بازنگری قانون جدید آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با الگو پذیری از مواد ۱۳۷ و ۱۳۸ ق.آ.د.ک.ف. به پیش بینی برخی از این قرارهای حول دو محور قرارهای تأمین کیفری در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک. و نظارت قضایی در ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک. با نقش مکمل قرارهای نظارت قضایی در برابر تأمین کیفری می پردازد. تدوین قرارهای نظارت قضایی باعث تعدیل آثار سوء اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جرم شناختی و روان شناختی قراربازداشت موقت می شود و نظارت قضایی عاملی در جهت مشارکت جامعه مدنی در بازپروری فرد متهم به ارتکاب جرم در محیطی غیر از زندان خواهد بود. بر این اساس سعی شده است در این پایان نامه به بررسی انواع قرار های نظارت قضایی به صورت تطبیقی در دو نظام دادرسی کیفری فرانسه و ایران پرداخته شود.

واژه های کلیدی: متهم، بازداشت موقت، بازپرس، قرار، تأمین کیفری، نظارت قضایی

۱- مقدمه

با توجه به آشکار شدن معایب زندان‌های کوتاه مدت یا همان بازداشت موقت و به منظور پرهیز از آن، در نظام پاسخ‌دهی جامعه به جرم تحولاتی صورت گرفت. در راهبرد جدید، هدف سیاست جنایی، کنارگذاری روش‌های سنتی عدالت‌کیفری و بالابردن اثر بخشی نظام عدالت‌کیفری است. تکنیک آن هم پاسخ‌دهی به شماری از گونه‌های بزهکاری و برخی از بزه‌کاران با توسل به روش‌های نو با ماهیت غیر قهر آمیز می‌باشد. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که بیشتر کشورهای دنیا از جمله ایران، فرانسه و آمریکا مراحل متعددی را در تعیین سیاست‌های کیفری خود پشت سر گذاشته‌اند. در دهه‌های اخیر سعی شد با استفاده از مجازات‌های بینابین یا مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس و بازداشت موقت، معمای جرم و اتهام را حل نمایند. لازم به ذکر است در تاریخ نظام دادرسی کیفری اسلام نیز اصل اولیه، عدم جواز بازداشت اشخاص به مجرد ورود اتهام بوده است، مگر اینکه دلیلی خاص بر بازداشت موقت فرد تحصیل شود. به عنوان مستند، مولف کتاب قضا و نظام قضایی از دیدگاه امام علی(ع)، دلیلی بر عدول از اصل مزبور در قضاوت‌های الهی ایشان نیافته و معتقد است به اینکه امام علی(ع) به عنوان حامی حقوق انسان در اسلام به هیچ وجه تمایلی به توقیف احتیاطی اشخاص به صرف اتهام نداشته است.^۱ در حال حاضر، قانونگذاران و سیاست‌گذاران جنایی به دنبال شیوه‌های نوین جایگزین توقیف مجرمان و متهمان بر اساس تاریخ تحولات حقوق کیفری هستند؛ از جمله پیش‌بینی قرارهای نظارت قضایی^۲ برای مجرمان و متهمان غیر خشن که یکی از موضوعات مورد مطالعه این تحقیق است. تعریفی که از قراری می‌شود، عبارت است از تصمیم قضایی که از سوی مقام قضایی صالح در طول تحقیقات مقدماتی و در مقام انجام دادن تحقیق و در موارد استثنایی در جریان محاکمه و رسیدگی دادگاه صادر می‌شود. این تصمیم ممکن است ناظر به متهم، سایر اشخاص یا اشیاء و اموال آنان باشد. از آنجا که صدور قرار تأمین کیفری در اکثر رسیدگی‌های جزایی، امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری محسوب می‌گردد، در قوانین آیین دادرسی کیفری مورد توجه بوده است. در ایران نیز قرار تأمین کیفری تحت عناوین التزام به حضور باقول شرف و وجه الالتزام، قرار کفالت، وثیقه، بازداشت موقت و عدم خروج از کشور نمود یافته است.^۳ در ایران قرارها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ قرارهای اعدادی و نهایی که قرار تأمین کیفری و نظارت قضایی از نوع اول می‌باشند؛ که تضمین‌کننده حضور متهم در مراحل مختلف دادرسی هستند. قرارهای نظارت قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و ایران مشاهده می‌شوند. در واقع رویه سابق در بازنگری قوانین آیین دادرسی کیفری، ایجاد محدودیت برای افرادی است که تحت تعقیب کیفری قرار می‌گرفتند. مشمولین این محدودیت افرادی بودند که در مورد آنها حکم قطعی صادر نشده بود و پذیرش این رفتار در زمانه‌ای که اجرای اصل برائت از اصول پذیرفته شده در اکثر کشورها می‌باشد، دارای اشکال است. زیرا همان‌طور که می‌دانیم یکی از ابتدایی‌ترین حقوق هر فردی، حق آزادی وی می‌باشد. شاید بتوان گفت بعد از حق حیات، حیات آزادی از جمله مهم‌ترین جنبه‌های حقوق بشر بلکه لازمه آن است. آزادی و مبارزه در راه تحقق آن همواره مهم بوده و انسان‌های بسیاری در راه آن جان باخته‌اند و در طول تاریخ ملت‌ها غالباً مردم از آن محروم بوده‌اند و فقدان آن سبب شده که استعدادها رشد و شکوفایی پیدا نکنند.^۴ لذا در کلیه کشورها حق آزادی اشخاص در قانون اساسی با تضمین‌های معتبری تحت حمایت قرار گرفته است. کافی است نگاهی اجمالی به اعلامیه‌های مختلف موجود در باب حقوق بشر بی‌اندازیم تا به اهمیت موضوع پی ببریم، اما با تمام این اوصاف بعضاً دیده شده است شخصی که در مظان اتهام قرار دارد و به مراجع قضایی به عنوان متهم معرفی می‌گردد، بعضی از قضاوت‌متأسفانه حق آزادی متهم را نادیده می‌گیرند و به دلایل مختلف متهم را در اکثر مواقع روانه زندان می‌کنند. قطعاً عدالت اقتضا دارد قبل از اثبات

^۱ باقری، سعید، ارزیابی قراربازداشت موقت در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۰، ص ۲۲

^۲ Le controle judiciaire

^۳ برزگران، هومن، قرارهای تأمین کیفری و مقایسه آنها با آیین دادرسی کیفری سابق و جدید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور استان تهران، ۱۳۹۴، ص ۱

^۴ مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر همراه، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۷۶

اتهام و صدور حکم قطعی، آزادی فرد سلب نشود و به همین دلیل قرارهای تأمین کیفری از جمله بازداشت موقت که شدیدترین و مهم ترین قرار می باشد، با اصل برائت (اصل تضمین کننده آزادی و حیثیت افراد) مغایرت دارد و حیثیت و آزادی افراد را زیر سوال می برد و موجب خسارت مادی و معنوی شده و حقوق دفاعی افراد را تضییع می کند؛ زیرا از یک سو شاکی و دادستان آزادانه به جمع آوری دلایل علیه متهم می پردازد (عدم تساوی سلاح ها) و از سوی دیگر متهم بازداشت و از هرگونه امکان جمع آوری دلایل و مدارک و دفاع منطقی جهت اثبات بی گناهی خود محروم است. لذا قانونگذار در بازنگری قانون آیین دادرسی کیفری با اقتباس از حقوق کیفری فرانسه تمایل خود را مبنی بر حفظ حقوق متهمان در کنار حقوق بزه دیدگان مد نظر قراردادده و به نوعی از گرایش قضات به بازداشت و سلب آزادی افراد می کاهد تا فرهنگ و اطمینان از بکارگیری قرارهای نظارت قضایی را در بین قضات دادرسی و دادگاه ها نهادینه کند و نیز اقدامات مفیدی را مبنی بر فردی کردن قرارهای تأمین کیفری، حذف قرار بازداشت موقت اجباری و تأسیس قرارهای نظارت قضایی متنوع به عنوان جایگزین مناسب پیش بینی نموده است.

تحقیق حاضر به طور کلی به این دلیل حائز اهمیت است که نظارت قضایی، موجب رعایت اصل تناسب و فردی کردن تأمین و کاهش ایرادات و معایب وارده بر بازداشت های کوتاه مدت می شوند. در واقع یکی از مهم ترین راههای کاهش بازداشت موقت استفاده از قرارهای کنترل اجتماعی و قضایی است؛ که طی ۴۰ سال اخیر وارد نظام قضایی برخی از کشورهای اروپایی از جمله کشور فرانسه شده و مورد اجرا و آزمایش قرار گرفته است. بنابراین مطالعه ابعاد مختلف این قرارها مهم است و از طرفی تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید از جدی ترین اقدامات اولیه در این زمینه می باشد، که دارای اهمیت است. در یک نگاه کلی، از آنجایی که قرارهای تأمین و نظارت قضایی یکی از موارد ضروری در جریان تحقیقات مقدماتی محسوب می گردد و با توجه به این ضرورت در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ نیز سعی بر این بوده است تا کارکرد و نقش این قرارها در جریان تحقیقات مقدماتی به شکل مطلوب تری نمایان گردد. لذا انجام این تحقیق در بررسی قرارهای جایگزین یا کنترل قضایی در حبس های کوتاه مدت به عنوان یک تدبیری جهت حبس زدایی و تعدیل بازداشت موقت، ضرورت دارد.

۲- مفهوم قرارهای نظارت قضایی

با توجه به جایگاه قرارها در آیین دادرسی کیفری و به کارگیری آنها توسط مقامات قضایی در تمامی مراحل تحقیقات مقدماتی، مفهوم قرار ما را در تبیین معنای قرارهای نظارت و کنترل قضایی یاری می کند. لذا قرار از نظر لغوی به معنای ثبات، آرمیدن و آرام گرفتن^۱ و جاگرفتن، آرام گرفتن، یا برجای شدن در جایی، آرامش، آسودگی، رأی یا حکمی که درباره مسأله یا امری صادر شود یا عهد و پیمان^۲ واز نظر اصطلاحی برخی از حقوقدانان قرار را تصمیم دادگاه در امر ترافیعی که کلاً یا بعضاً قاطع خصومت نباشد، دانسته اند.^۳ عده ای دیگر تصمیم مرجع قضایی برای تکمیل تحقیقات یا اظهار نظر در مورد قابلیت یا عدم قابلیت محاکمه متهم در دادگاه می دانند.^۴ در نهایت قانون آیین دادرسی مدنی نیز در ماده ۲۲۹ قرار را به شرح ذیل بیان می نماید: ((چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می شود.)) به عبارت دیگر؛ در صورتی که تصمیم دادگاه در مورد ماهیت دعوا و قاطع دعوا نباشد به این تصمیم، قرار می گویند. با توجه به شرح معنا و مفهوم قرار، قرار نظارت قضایی، قرار است؛ که از سوی مقامات قضایی ذی صلاح (بازپرس یا دادرس دادگاه)، مشتمل بر دستور یا دستوراتی مبنی بر انجام یا عدم انجام برخی از امور توسط متهم به منظور اصلاح وی یا تضمین

^۱ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، چاپ سیروس، انتشارات مجلس شورای ملی، جلد سی و هشت، ۱۳۳۶، ص ۱۹۳

^۲ عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۱، ص ۹۷۲

^۳ جعفری لنگرودی محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۵۳۱

^۴ خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۹، ص ۱۸۴

حقوق بزه دیده، در کنار قرارهای تأمین کیفری و یا طبق شرایطی مستقلاً صادر می‌گردد.^۱ در واقع این قرار یک قرار محدود کننده آزادی می‌باشد اما نه به اندازه سایر قرارهای تأمین کیفری، که خارج از محیط زندان تعهداتی را برای فرد متهم به وجود می‌آورد. با توجه به اینکه در حقوق کیفری فرانسه قرارهای نظارت قضایی دارای جایگاه ویژه‌ای از لحاظ کیفری می‌باشند و طیف وسیعی از جایگزین‌ها حبس را به خود اختصاص داده‌اند، عدم رعایت تعهدات نظارت قضایی، بازداشت موقت متهم را به همراه خواهد داشت. در واقع نظارت قضایی یک تأسیس حقوقی محدود کننده آزادی می‌باشد؛ که در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس صادر می‌شود و آثار سوء سایر تأمین‌های کیفری را ندارد؛ بلکه فقط در صورت عدم رعایت تعهدات و دستورات محوله، در فرانسه ضمانت اجرای آن بازداشت موقت خواهد شد. بنابراین نظارت قضایی یک نهاد کنترل اجتماعی و قضایی بر فرد تحت بررسی می‌باشد که این کنترل در جهت سازش بین آزادی فرد با اجتناب از بازداشت و ضرورت‌های بازدارندگی با تحمیل کنترل به شخص متهم تأمین شده است.^۲ در فرانسه از سال ۱۹۷۰ میلادی به بعد قانونگذار این کشور تمایلات خود را در محدود کردن تحدید آزادی برخلاف ادوار گذشته روز به روز نشان می‌دهد و در زمینه آزادی‌های اشخاص گام‌های مثبتی را بر می‌دارد به طوری که در ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ انگیزه خود را مبنی کاهش بازداشت موقت و رفع آثار سوء آن با تأسیس نهاد نظارت قضایی به نظام‌های حقوقی عالم نمایان می‌سازد؛ تا دادگاه‌های این کشور از آن پس با نظارت قضایی، تورم جمعیت کیفری زندان‌ها را مدیریت و از آثار منفی آن نسبت به جامعه و متهم بکاهند. شرایط شکلی نظارت قضایی در حقوق کیفری فرانسه به این صورت می‌باشد که هدف از صدور این قرار دسترسی به موقع به متهم و اصلاح وی خواهد بود؛ در حالی که در حقوق کیفری نوین ایران اقتباس این قرار از حقوق فرانسه مقداری متفاوت و از نظر برخی از حقوقدانان غیر قابل توجیه می‌باشد؛ زیرا نظارت قضایی بر خلاف ذات حقیقی فرانسوی خود، در ایران به عنوان یک نهاد اصلی نبوده و کارکرد فرعی و تکمیلی در کنار سایر تأمین‌های کیفری دارد. قانونگذار فرانسه در مبحث هفتم از قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۱۳۷ بیان می‌دارد؛ هر شخص تحت بررسی (متهم) بی‌گناه فرض می‌شود و آزاد باقی می‌ماند. با این وجود، به علت ضرورت‌های تحقیق یا به عنوان تدابیر تأمینی، می‌توان او را به تبعیت از یک یا چند مورد از الزامات نظارت قضایی، یا اگر این الزامات، ناکافی باشد، به حضور در محل سکونت با نظارت الکترونیکی ملزم کرد. به صورت استثنایی، اگر الزامات نظارت قضایی یا حضور در محل سکونت با نظارت الکترونیکی، اجازه دستیابی به این اهداف را ندهد، شخص تحت بررسی می‌تواند بازداشت موقت گردد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تنها تأمین کیفری در قانون فرانسه قرارهای نظارت قضایی به عنوان یک قرار مستقل و اصلی می‌باشند؛ که ضمانت اجرای آن بازداشت موقت است؛ در حالی که در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مفهوم دیگری متبادر است. ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند. لذا با توجه به تصریح قانون قرارهای نظارت قضایی به عنوان قرار تبعی و وابسته در کنار سایر تأمین‌های کیفری صادر خواهد شد. اما قانونگذار در یک مورد قائل به استثناء شده است و آن تبصره ۱ ماده مذکور است، که بیان می‌دارد؛ در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارت وارده مقام قضایی می‌تواند فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفا کند.

۳- مبانی قرارهای نظارت قضایی

قرارهای نظارت قضایی دارای ۲ مبنا یا فلسفه وجودی می‌باشند که آنها را به اهدافش نزدیک می‌کند؛ ۱- مبانی بنیادی یا اساسی ۲- مبانی جرم‌شناختی. مبانی بنیادی تحت دو عنوان اصل آزادی و امنیت شخصی و اصل برائت تقسیم می‌شوند که دو اصلی می‌باشند که در اواخر قرن بیستم در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی ایران در جهت منع از بازداشت متهم و عدم سلب آزادی از وی از طریق اقدامات جایگزین تأکید شده است و مبانی جرم‌شناختی که شامل نظریه تعامل‌گرایی متهم با جامعه و

^۱ اله بداشتی سیاهکلودی، عبدالله، بررسی قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی در لایحه آیین دادرسی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳

^۲ لارگیب، ژان، آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل زاده، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱

عدم انگ زنی به افراد در مراحل تحقیقات مقدماتی می شود و نظریه دفاع اجتماعی نوین مارک آنسل در جهت بازپروری متهم و متعاقب آن اصلاح جامعه خواهد بود.

۴- انواع قرار های نظارت قضایی

۴-۱- معرفی نوبه ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس

پیشینه این قرار خاصه به عنوان یک قرار نظارت قضایی در حقوق فرانسه به بند ۵ ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه باز می گردد؛ طبق بند مذکور ((حضور به صورت دوره ای نزد واحد ها، نهادهای صالح یا مقامات منتخب هیأت تحقیقاتی بازپرسی یا قاضی آزادی ها و بازداشت که ملزم به رعایت دقیق رازداری در مورد اعمال انتسابی به شخص تحت بررسی هستند)) طبق بند ۵ ماده ۱۳۸ بازپرس یا قاضی آزادی ها و بازداشت متهم را متعهد می سازد، طبق مفاد قرار به افراد یا واحد های مشخص شده در قرار در هر دوره ی زمانی مشخص خود را معرفی و حضورش را به مرجع مذکور در قرار اعلام دارد. در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ این قرار نیز تحت عنوان یکی از قرار های نظارت قضایی در بند "الف" ماده ۲۴۷ پیش بینی شده است. براساس آن معرفی نوبه ای خود به مراکز و نهادهای تعیین شده توسط بازپرس یکی از الزامات نظارت قضایی محسوب می شود. این قرار هر چند تا حدودی مانند قرار التزام به معرفی نوبه ای مذکور در بند "ث" ماده ۲۱۷ می باشد، اما از نظر اینکه در بند الف ضمانت اجرایی تحت عنوان وجه التزام پیش بینی نشده است و مقام مراجعه کننده در این قرار یک مرجع قضایی یا انتظامی می تواند نباشد، بلکه یک مرجع پزشکی، درمانی، آموزشی، فرهنگی، اخلاقی و یا حتی مذهبی باشد.^۱ لذا این دو قرار دارای ماهیتی متفاوت می باشد. هدف از پیش بینی قرار های نظارت قضایی همانطور که در بخش های گذشته مطرح شد، ۱- اصلاح و درمان متهم از طریق عدم ورود او به بازداشتگاه و هم زیستی با افراد مجرم ۲- پیشگیری از تکرار جرم و مهار حالت خطرناک متهم در محیطی غیر از زندان ۳- ضرورت های تحقیق و بازپرسی از جمله در دسترس بودن متهم و جلوگیری از مخفی شدن وی ۴- تضمین حقوق بزه دیده و جبران خسارات وارده به وی، بر این اساس بازپرس همانند قرار های تامین کیفری پس از تفهیم اتهام به متهم بر اساس اصل تناسب قرار های تامین یا نظارت قضایی برای مدت معین متوسل به قرار نظارت قضایی همراه با یکدیگر یا قرار تأمین یا قرار نظارت قضایی صرف گردد. طبق بند الف ماده ۲۴۷ قاضی به متهم تفهیم می نماید که در مواعد مشخص شده می بایست وی به مراکز تعیین شده مراجعه و خود را معرفی و در برخی موارد به انجام فعلی مکلف شود.^۲ این مراکز ممکن است مراکز پلیسی، قضایی، خدماتی مثل کلاتری ها یا مراکز فرماندهی انتظامی یا شهرداری ها باشند یا مراکز فرهنگی، پرورشی مثل کتابخانهها (خواندن چند جلد کتاب) یا مدارس (جهت کسب سواد آموزی) یا مراکز درمانی از جمله درمانگاه ها یا کمپ های قانونی جهت ترک اعتیاد یا مراکز تعلیم آداب مذهبی، اخلاقی و غیره صورت گیرد. مدت این قرارهای بسته به نظر بازپرس و بصورت مشخص به روز یا ماه یا سال تعیین می گردد و این قرار تا ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

۴-۲- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری

قانونگذار فرانسه در بند ۸ ماده ۱۳۸ ق.آ.د.ک.ف یکی دیگر از هفده قرار نظارت قضایی را منع از رانندگی برای شخص متهم تعیین کرده است. ماده مذکور مقرر می کند؛ ((خودداری از رانندگی کلیه وسایل نقلیه یا برخی از آنها و در صورت مقتضی، تحویل گواهینامه خود در مقابل دریافت رسید به دفتر دادگاه، با این وجود، هیأت تحقیقاتی بازپرسی یا قاضی آزادی و بازداشت می تواند تصمیمی بگیرد که شخص تحت بررسی بتواند از گواهینامه خود برای انجام فعالیت حرفه ای استفاده کند.))

^۱ ماده ۵ آیین نامه شیوه اجرای قرارهای نظارت و تأمین قضایی مقرر می کند؛ مرکز یا نهاد، موضوع بند الف ماده ۲۴۷ قانون عبارت است از: الف - واحد اجرای احکام کیفری یا مددکاری اجتماعی حوزه قضایی ب - ضابطان دادگستری اعم از عام و خاص حسب مورد.

^۲ ماده ۴ آیین نامه شیوه اجرای قرارهای نظارت و تأمین قضایی مقرر می کند؛ در صورتی که قرار نظارت مبنی بر معرفی متهم به مرکز یا نهاد معینی باشد، قاضی صادرکننده قرار باید زمان و محلی که متهم موظف است خود را معرفی کند، همچنین زمان شروع اجرای قرار و خاتمه آن را صریحاً قید نماید.

مقنن فرانسه در بند هشتم دو مورد را از هم تفکیک کرده است؛ یکی اینکه متهم حق رانندگی به طور کلی یا جزئی ندارد و دوم اینکه متهم حق داشتن گواهینامه رانندگی را ندارد و باید آن را تحویل دفتر دادگاه نماید یا بعضاً بتواند گواهینامه خود را برای برخی حرفه‌ها (شغلی) استفاده کند. قانونگذار کشورمان در لایحه پیشنهادی آیین دادرسی کیفری در بند (ه) ماده ۱-۱۲۶ یکی از قرارهای تأمین کیفری را اخذ اسناد هویتی و از جمله گواهینامه رانندگی مقرر کرده بود؛ ((اخذ اسناد هویت یا اشتغال متهم از قبیل شناسنامه، گذرنامه، کارت ملی، پروانه اشتغال، گواهینامه رانندگی و کارت بازرگانی، توسط بازپرس را به عنوان یک تأمین کیفری تعیین نموده بود)) و در بند ب ماده ۳۲-۱۲۶ به منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری اشاره شده بود. لذا همان طور ملاحظه می‌شود مقنن فرانسوی مقوله منع رانندگی و منع از داشتن گواهینامه را از یکدیگر تفکیک نموده و بر اساس نوع اتهام و شخصیت متهم اعمال می‌کند که تدوین کنندگان لایحه نیز به این امر توجه داشته بودند و منع از داشتن گواهینامه رانندگی را به عنوان یکی از قرارهای تأمین کیفری و منع از رانندگی را به عنوان یک قرار نظارت قضایی پیش بینی نموده بودند که در اصلاحات قانون بند (ه) ماده ۱-۱۲۶ حذف گردید.

در نهایت در قانون آیین دادرسی کیفری بند (ب) ماده ۲۴۷ به خودداری متهم از رانندگی وسایل نقلیه موتوری اشاره دارد که سابقاً در لایحه هر چند اخذ گواهینامه که در حقوق فرانسه به عنوان یک نظارت قضایی در بند ۸ ماده ۱۳۸ مقرر شده بود، اما با این حال بر اساس نظر تدوین کنندگان قانون در زمره قرارهای تأمین کیفری قرار گرفته بود که حذف شد و قانونگذار به همان منع از رانندگی وسایل نقلیه موتوری به عنوان نظارت قضایی که در فرانسه تحت عنوان نظارت قضایی پیش بینی شده بود اکتفا کرد. علت اینکه تدوین کنندگان لایحه بند ۸ ماده ۱۳۸ فرانسه را به دو قسم مجزا تبدیل و در دو ماده مستقل یکی تحت عنوان تأمین کیفری و یکی به عنوان نظارت قضایی تدوین کرده بودند که نشان از بداعت نادرست تدوین کنندگان بوده که در نهایت اخذ گواهینامه از مصادیق عناوین قرارهای تأمین کیفری حذف گردید. نکته ای که در اینجا وجود دارد وسایل نقلیه مذکور در دو ماده ۱۳۸ و ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و ایران است. بطوری که بر اساس قانون آیین دادرسی فرانسه متهم صرفاً از رانندگی وسایل نقلیه اعم از موتوری یا غیر موتوری محروم می‌شود. در حالی که بند (ب) ماده ۲۴۷ اشاره به رانندگی وسایل نقلیه موتوری دارد، لذا قاضی یا بازپرس نمی‌تواند متهم را از رانندگی وسایل نقلیه غیر موتوری محروم کرد. در یک تعریف وسایل نقلیه: به وسایلی گفته می‌شود که بار یا مسافر را در راه‌ها جابه‌جا می‌کنند و به دو دسته وسایل نقلیه موتوری و غیر موتوری تقسیم می‌گردند. این وسایل گاهی کوچک هستند، مثل دوچرخه و گاهی بزرگ هستند، مثل اتوبوس. وسیله نقلیه موتوری: هر نوع وسیله نقلیه ای که دارای حداقل یک چرخ در جلو و دو چرخ در عقب بوده و دارای موتور و سامانه انتقال قدرت است و برای حمل بار یا انسان به کار می‌رود که به آن خودرو نیز گفته می‌شود. وسیله نقلیه غیرموتوری: هر نوع وسیله نقلیه ای که نیروی محرکه آن از موتور نباشد. وسایل نقلیه غیر موتوری: مثل؛ دوچرخه، درشکه و گاری. لذا بر اساس آنچه که ذکر شد، در حقوق ایران صرفاً منع از وسایل نقلیه موتوری بر اساس قانون جدید می‌تواند به عنوان یکی از دستورات نظارت قضایی پس از تفهیم اتهام به متهم توسط بازپرس در کنار سایر قرارهای نظارت قضایی یا تأمین کیفری اتخاذ شود.^۱ نکته دیگری که ذکر آن خالی از فایده نیست، آن است که در ماده ۲۳ ق.م.ا. مصوب ۹۲ در بند "ث" قانونگذار منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری یا تصدی وسایل موتوری را در شمار مجازات‌های تکمیلی ذکر می‌کند. لذا بر اساس قوانین

^۱ ماده ۹ و ۱۰ آیین نامه شیوه اجرای قرارهای نظارت و تأمین قضایی مقرر می‌کند؛ در مورد قرار نظارت مبنی بر منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری، مراتب باید به پیوست تصویر قرار به راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی حوزه قضایی صادر کننده قرار برای اخذ گواهینامه رانندگی از متهم و ضبط موقت آن، ابلاغ شود. مرجع مذکور موظف است مراتب ضبط گواهینامه را به معاونت نیروی انتظامی مرکز اعلام و نتیجه نظارت بر اجرای دستور را حسب مورد به مرجع صدور یا اجراکننده قرار گزارش کند. تحویل مجدد گواهینامه به متهم مستلزم اعلام مرجع قضایی خواهد بود.

در صورتی که متهم ظرف مهلت تعیین شده توسط مقام قضایی، از تحویل گواهینامه رانندگی خود به راهنمایی و رانندگی خودداری کند و یا پس از تحویل گواهینامه در مدت ممنوعیت مبادرت به رانندگی نماید، مراتب باید بلافاصله توسط راهنمایی و رانندگی به مرجع صدور قرار اعلام شود.

جزایی نوین داخلی، منع از رانندگی وسایل نقلیه موتوری هم جنبه مجازات بر مجرم را دارد و هم جنبه کنترل و نظارت قضایی بر متهم را در قالب قرار در برمی گیرد.

۴-۳- منع از اشتغال به فعالیت های مرتبط با جرم ارتكابی

بند ۱۲ ماده ۱۳۸ ق.آ.د.ک.ف مقرر می کند؛ ((نپرداختن به برخی از فعالیت های حرفه ای یا اجتماعی- به استثنای نمایندگی انتخاباتی یا مسئولیت های صنفی- زمانی که جرم در انجام یا به مناسبت انجام این فعالیت ها ارتکاب رخ داده است و زمانی که این ظن وجود دارد که جرم جدیدی ارتکاب یابد. زمانی که فعالیت یک وکیل مطرح است، شورای انتظامی مورد درخواست توسط هیات تحقیقاتی بازپرسی یا قاضی آزادی ها و بازداشت، فقط توانایی صدور این تدبیر، به شرط قابل تجدیدنظر خواهی بودن راه، در شرایط پیش بینی شده در ماده ۲۴ قانون شماره ۱۱۳۰-۷۱ سی ویکم دسامبر راجع به اصلاح برخی حرف حقوقی قضایی، دارد شورای انتظامی ظرف ۱۵ روز رای می دهد.)) در لایحه پیشنهادی در بند (ه) ماده ۳۲-۱۲۶ به این صورت مقرر شده بود؛ ((منع اشتغال به کارهایی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم می کند)) که در بند پ ماده ۲۴۷ با کمی تغییرات به این صورت پیش بینی می شود؛ ((منع اشتغال به فعالیت های مرتبط با جرم ارتكابی)).^۱ بنابراین در اینجا مجدد اشاره ای به یکی از مواد قانون مجازات اسلامی ۹۲ می شود، در ماده ۲۳ ق.م.ا.مصوب ۹۲ در بند (پ) قانونگذار منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین و در بند (ذ) منع از عضویت در احزاب، گروهها و دستجات سیاسی یا اجتماعی را در شمار مجازات های تکمیلی ذکر می کند. لذا بر اساس قوانین کیفری نوین ایران منع از اشتغال به حرفه های خاص یا فعالیت در آنها هم جنبه مجازات بر مجرم را دارد و هم جنبه کنترل و نظارت قضایی بر متهم را در قبل از صدور حکم قطعی در بر می گیرد. بازپرس پس از تفهیم اتهام به متهم و بر اساس ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک.ف (اصل تناسب تأمین) قرار مذکور را یا به صورت مستقل و در جرایم خاص یا به عنوان مکمل قرار های تأمین کیفری مقرر در ماده ۲۱۷ یا در کنار سایر قرار های مذکور در ماده ۲۴۷ صادر می کند. علت پیش بینی این قرار در شمار قرار های نظارت قضایی در حقوق ایران و فرانسه ارتباط آن فعالیت با ارتکاب جرم قبلی یا احتمال وقوع جرم بعدی می باشد، که قاضی متناسب با اتهام انتسابی به متهم، جهت جلوگیری و پیشگیری از ارتکاب جرم در آینده و با توجه به حالت خطرناکی در متهم وجود دارد، ممکن است متهم را مجدد در مظان اتهام به همان جرم قبلی یا جرم جدیدی قرار دهد. بطور نمونه پزشکی که در ارتباط با شغل خود در مظان اتهام به جرمی قرار گرفته است، بازپرس می تواند طبق بند "پ" ماده ۲۴۷ به عنوان یک نظارت قضایی او را از اشتغال به شغل طبابت تا مدت مشخصی منع کند. یا فردی که در یک محیط آموزشی یا فرهنگی در مظان اتهام به جرمی قرار گرفته است بازپرس می تواند قرار منع اشتغال به آن حرفه یا فعالیت را صادر کند. شرطی که در این قرار وجود دارد، این است که آن فعالیت می بایست با جرم ارتكابی مرتبط باشد.^۲ لذا قاضی نمی تواند متهم را از هر فعالیتی و حرفه ای منع کند. مثال ساده تر در این خصوص، که صرفاً به محیط کار یا حرفه شخص مربوط ارتباط ندارد بلکه یک فعالیت عمومی محسوب می شود صدور چک است، اگر فردی مرتکب جرم صدور چک پرداخت نشدنی یا بلامحل گردد، قاضی علاوه بر صدور قرار وثیقه یا کفالت می تواند به استناد بند "پ" ماده ۲۴۷ او را از اشتغال و به کارگیری چک منع کند. لذا قاضی می تواند فرد را از هر فعالیتی حتی وکالت نسبت به وکیل در صورتی که با جرمش در ارتباط باشد) مثلاً رابطه نامشروع وکیل با موکل یا رابطه نامشروع یک معلم با دانش آموز) منع کند. در آیین

^۱ ماده ۳۰ ق.م.ا.مقرر می کند: منع از اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار معین مستلزم لغو جواز کار یا پروانه کسب، حرفه یا کار است مشروط به این که جرم به سبب اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار ارتکاب یابد یا آن اشتغال وقوع جرم را تسهیل نماید. ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی قرارهای نظارت قضایی نیز مقرر می کند؛ مفاد ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، منظور از فعالیت مرتبط با جرم ارتكابی، کاری است که جرم به سبب اشتغال به آن شغل، کسب، حرفه یا غیر آن ارتکاب یابد یا اشتغال به آن، وقوع جرم را تسهیل نماید.

^۲ ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی قرارهای نظارت قضایی نیز مقرر می کند؛ چنانچه قرار نظارت مبنی بر منع اشتغال به حرفه، شغل یا کار معین بوده و متهم به آن اشتغال داشته باشد، قاضی صادرکننده قرار مراتب را حسب مورد باید به کارفرما و یا بالاترین مدیر یا مسؤول محل اشتغال متهم و یا نهاد و سازمان مربوط ابلاغ نماید. مرجع یاد شده موظف است ضمن رعایت دستور قضایی مراتب اقدام خود را به مرجع صادر کننده قرار نظارت اعلام کند. چنانچه متهم دارای جواز کار یا پروانه اشتغال باشد، جواز کار یا پروانه اشتغال وی باید از طریق مرجع مربوط و با اعلام قاضی موقتاً اخذ و مراتب به مرجع صادرکننده یا اجرا کننده قرار گزارش گردد.

دادرسی کیفری فرانسه در بند ۱۲ ماده ۱۳۸ قانونگذار فرانسوی محدودیت هایی برای قاضی صادر کننده قرار نظارت قضایی در نظر گرفته است. به موجب صدر بند ۱۲ قاضی نمی تواند متهم را از شرکت در انتخابات نمایندگی و تصدی این امر و نیز مسئولیت های صنفی و تجاری محروم کند و هم چنین قانونگذار فعالیت و کالت را بطور خاص و صریح در بند ۱۲ ذکر کرده است، که قاضی بطور شخصی نمی تواند متهم از ادامه فعالیت و کالتش منع کند بلکه صلاحیت این امر به شورای انتظامی است. شورایی که متشکل از قاضی تحقیق و قاضی آزادی ها و بازداشت بوده و تنها نهاد صالح برای تصمیم گیری در خصوص اینکه متهم می تواند شغل و کالت خود را ادامه بدهد یا خیر. زمانی قاضی می تواند به استناد بند ۱۲ متهم را از فعالیت های حرفه یا اجتماعی منع کند که جرم در انجام یا به مناسبت انجام این فعالیت ها ارتکاب شده است. یا قاضی این احتمال را بدهد که در اثر ادامه آن فعالیت جرم جدید به وقوع خواهد پیوست. در نهایت مطابق با ماده ۱۵ آیین نامه اجرایی نظارت قضایی رفع ممنوعیت از اشتغال مستلزم اعلام مرجع قضایی می باشد.

۴-۴- ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز

در فرانسه یکی دیگر از قرارهای نظارت قضایی قرار مقرر در بند ۱۴ ماده ۱۳۸ می باشد. طبق آن متهم می بایست دستور مطرح را انجام دهد؛ ((عدم نگهداری یا حمل اسلحه و در صورت مقتضی، تحویل اسلحه هایی که مالک آنهاست در مقابل دریافت رسید به دفتر دادگاه را ارائه دهد.)) قانونگذار فرانسه در این بند به دومیورد اشاره دارد. یکی اینکه متهم اسلحه ای از ابتدا نداشته است لذا بر اساس این قرار حق خرید اسلحه و حمل و نگهداری آن را ندارد یا اسلحه داشته است اما مالک اسلحه فرد یا سازمان دیگری بوده است و دیگر اینکه متهم اسلحه دارد و مالکش است، بر اساس این قرار باید آن را تحویل دهد. قانونگذار ایران در بند "ت" ماده ۲۴۷ به ممنوعیت نگهداری سلاح دارای مجوز اشاره دارد. سلاح دارای مجوز اصولاً سلاح هایی محسوب می شود که افراد برای شکار حیوانات مجوز آن را دریافت می کنند. در واقع در ایران سلاح مجاز در اغلب موارد به سلاح شکاری اطلاق می شود و ذکر عبارت سلاح دارای مجوز نیز بخاطر همین است که در ایران ممنوعیت نگهداری از سلاح فاقد مجوز معنایی ندارد چون اصولاً نگهداری سلاح بدون مجوز جرم است^۱ و قانونگذار با ذکر واژه مجوز خواسته است ممنوعیت را به یک فعل مجاز اختصاص بدهد و نه به فعلی که از ابتدا ممنوع بوده است. از آنجایی که ذکر سلاح دارای مجوز فقط شامل سلاح های شکاری و سلاح های گرم که مجوز آن برای برخی از اشخاص چون قضات، نمایندگان مجلس صادر می شود را در بر می گیرد و ذکر ماده ۲۴۹ بطور کلی ماهیت نوع سلاح را در بند "ت" روشن می سازد. زیرا پروانه صرفاً برای اسلحه های گرم و غالباً سلاح های شکاری بر اساس آزمون تئوری و عملی که از متقاضی گرفته می شود صادر می شود. لذا سلاح دارای مجوز مذکور در بند "ت" غالباً شامل سلاح های شکاری نسبت به عموم و معدوداً سلاح های غیر شکاری نسبت افراد خاص که بدلیل شرایط شغلی مجوز استفاده از سلاح غیر شکاری برای آنها صادر می شود؛ از جمله قضات دادگستری و مأموران امنیتی (ضابطان اطلاعات) یا شخصیت های عالی رتبه دولتی یا حکومتی. به ترتیب بازپرس یا دادرس دادگاه می تواند بر اساس اتهام انتسابی به شخص قرار ممنوعیت از سلاح دارای مجوز را صادر نماید. در اغلب موارد علت توسل قضات به این نوع قرار بدلیل حالت روانی و خطرناک متهم دارای سلاح یا اینکه سلاح در وقوع جرم موثر بوده است، خواهد بود. طبق سایر قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی بازپرس می تواند این قرار را به عنوان یک قرار مستقل یا وابسته به تأمین کیفری پس از تفهیم اتهام به متهم صادر نماید.^۲ لذا وفق بند "ت" ماده ۲۴۷ ممنوعیت نگهداری از سلاح دارای مجوز نسبت به هر متهمی قابل اصدار نمی باشد، بلکه نسبت به متهم خاص (کسی که دارای سلاح مجوز دار است) و اتهاماتی که نتیجه آن اتهامات استفاده از سلاح بوده است (مقصود از سلاح، سلاح گرم دارای پروانه است) صادر می شود. بنابراین این منطقی و اصولی نخواهد بود که قاضی در

^۱ ماده ۶ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز (مصوب ۱۳۹۰)

^۲ ماده ۱۱۶ آیین نامه اجرایی قرار نظارت قضایی مقرر می کند؛ در مورد قرار ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز، قاضی صادر کننده قرار موظف است مفاد قرار را به مرجع صادر کننده پروانه حمل اعلام و همچنین به متهم اخطار نماید، سلاح خود را ظرف مهلت تعیین شده توسط مقام قضایی برای توقیف به مرجع قضایی تحویل دهد. پس از تحویل سلاح، قاضی مربوط با تنظیم صورتمجلسی که به امضای وی و متهم می رسد، دستور تحویل سلاح را مطابق ماده ۲۴۹ قانون صادر می کند.

اتهامات و جرایمی که اسلحه نقشی در آنها نداشته است یا نخواهد داشت این قرار را صادر نماید. بنابراین بر اساس آنچه که گفته شد، این قرار نسبت به متهمی که دارای سلاح گرم مجوز دار بوده فقط قابل اصدار است و تنها نسبت به جرمی که نتیجه وقوع آن استفاده از سلاح بوده یا سلاح در وقوع آن نقش داشته است، می توان توسط قاضی صادر شود.

۴-۵- ممنوعیت خروج از کشور

در خصوص قرار عدم خروج از کشور موضوع ماده ۱۳۳ قانون سابق آیین دادرسی کیفری تغییری که به وجود آمده است که قرار یاد شده در قانون سابق از زمره قرار تأمین محسوب می شد لیکن در قانون جدید از موارد نظارت قضایی تلقی می گردد. همچنین مدت اعتراض به این قرار در قانون سابق ۲۰ روز تعیین شده بود در حالی که طبق تبصره دوم ماده ۲۴۷ ده روز گردیده است که به بررسی آن می پردازیم.^۱

قرار ممنوعیت خروج از کشور قرار است که سابقاً در قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب ۱۳۷۸ در ماده ۱۳۳ مقرر شده بود؛ ((با توجه به اهمیت و دلایل جرم، دادگاه می تواند علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل (ماده ۱۳۲) قرار عدم خروج متهم را از کشور صادر نماید. مدت اعتبار این قرار شش ماه است و چنانچه دادگاه لازم بداند می تواند هر شش ماه یکبار آن را تمدید نماید. این قرار پس از ابلاغ ظرف مدت بیست روز قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر استان می باشد.)) طبق ماده ۱۳۳ ق.ا.د.ک ۷۸ قرار عدم خروج از کشور یک نوع قرار تأمین کیفری بود و قاعداً می بایست بر اساس سایر قرار های تأمین کیفری مقرر در ماده ۱۳۲ صادر می شد اما اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۳۳۶ مورخ ۸۰/۳/۳۱ اعلام می کند ((در صورت مهم بودن جرم ارتكابی و وجود دلایل بر بزهکاری متهم، دادگاه می تواند خروج وی را از کشور ممنوع نماید، اعم از این که تأمین مقتضی از او اخذ شده باشد یا خیر. صدور قرار عدم خروج از کشور مستلزم حضور متهم و تفهیم اتهام نمی باشد، لکن با توجه به قابل اعتراض بودن قرار، ابلاغ آن ضرورت دارد. قرار عدم خروج از کشور، تأمین جدید و مضاعف نیست، بلکه مستلزم سلب یکی از حقوق متهم است و شاید بتوان ماهیتاً آن را اقدامی تأمینی دانست)) همان طور مشاهده می شود نظریه اداره حقوقی مخالف با ماده ۱۳۳ در خصوص قرار عدم خروج از کشور بود. زیرا اگر قاضی می تواند علاوه بر قرارهای تأمین کیفری قرار دیگری صادر نماید باید مطابق با اصول اصلی قرار های تأمین صادر شود درحالی که اداره حقوقی قوه قضاییه بدلیل فوریت امر تفهیم اتهام به متهم و حضور وی را لازم ندانسته بود. و این تضاد با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ برطرف شد. زیرا در بند آخر ماده ۲۴۷ ق.ا.د.ک قانونگذار ماهیت قرار ممنوعیت خروج از کشور را تغییر داد و به عنوان یک قرار نظارت قضایی تعیین می نماید. هرچند هم چون سابق قرار عدم خروج از کشور به عنوان یک قرار تکمیلی در برابر سایر قرارهای تأمین کیفری به کار برده می شود، اما دیگر تحت عنوان تأمین کیفری و قواعد مربوط به آن نمی شود و حتی می توان به صورت مستقل نیز در جرایم خاص صادر گردد و بطور کلی مبنا و ماهیت قرار ممنوعیت از کشور در قانون جدید تغییر یافته است که به شرح آن خواهیم پرداخت.

بر اساس قانون جدید حضور متهم در جلسه دادرسی یا بازپرسی و تفهیم اتهام به وی لازم است از این جهت میان هیچ یک از قرار های نظارت قضایی یا تأمین کیفری تفاوتی وجود ندارد و بازپرس فقط پس از حضور متهم و تفهیم اتهام به وی می تواند قرار صادر نماید. ضمن اینکه بازپرس بر اساس قسمت اخیر ماده ۲۵۴ می بایست تخلف متهم را از تعهدات نظارت قضایی (از جمله منع خروج از کشور) تفهیم نماید. قانونگذار در ماده ۱۸۸ ق.ا.د.ک^۲ اشاره به موضوعی دارد که متهم در دسترس مرجع قضایی، ابتدا نبوده است. یعنی وقتی که متهم نه شخصاً و نه از طریق جلب توسط ماموران نزد بازپرس حضور نیافته است، با

^۱ سلیمی، صادق، بخشی زاده اهری، امین؛ تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق، تهران، انتشارات جنگل، چاپ سوم، ۱۳۹۴، ص ۱۵۶

^۲ ماده ۱۸۸- تا هنگامی که به متهم دسترسی حاصل نشده، بازپرس می تواند با توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، دستور منع خروج او را از کشور صادر کند. مدت اعتبار این دستور، شش ماه و قابل تمدید است. در صورت حضور متهم در بازپرسی و یا صدور قرار موقوفی، ترک و یا منع تعقیب، ممنوعیت خروج منتفی و مراتب بلافاصله به مراجع مربوط اطلاع داده می شود. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود این دستور خودبه خود منتفی است و مراجع مربوط نمی توانند مانع از خروج شوند.

توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، به استناد ماده ۱۸۸ امکان ممنوع الخروج ساختن وی وجود دارد. در این حال این اقدام برای تسهیل امکان دستیابی به متهم به اوست.^۱ چنین تصمیمی که قانونگذار آن را دستور نامیده نه قرار به متهم ابلاغ نمی شود و قابل اعتراض هم شناخته نشده است. بنابراین در این فرض متهم نمی تواند بدون حاضر شدن نزد بازپرس، به وسیله لایحه یا از طریق وکیل خود، به قرار اعتراض کند.^۲ همان طور که مشاهده می شود در قوانین سابق آیین دادرسی کیفری چنین دستوری قبل از حضور متهم نزد مرجع قضایی وجود نداشت. بطور مثال در ماده ۱۲۸ ق.ا.م.ج مقرر شده بود کسانی که تحت تعقیب جزایی هستند، نباید از حوزه ای که مستنطق معین می کند بدون اجازه او خارج شوند. در موردی نیز که مدعی العموم بدون رجوع به مستنطق کسی را تعقیب می کند، خارج شدن از حوزه که مدعی العموم معین خواهد کرد بدون اجازه او ممنوع است. همان طور که قابل ملاحظه است متهم حق خروج از حوزه قضایی تعیین شده را نداشت و تعیین این موضوع و اطلاع متهم از آن منوط به حضور وی نزد قاضی بود. در نهایت در ماده ۱۳۳ ق.آ.د.ک ۷۸ قانونگذار اختیار صدور قرار عدم خروج از کشور را در کنار سایر قرار های تامین کیفری قرار داده بود که یکی از مبنای صدور آنها تفهیم اتهام بود که لازمه آن حضور متهم نزد قاضی است لذا با توجه به مراتب مذکور دستور مقرر در ماده ۱۸۸ سابقه تقنینی در ایران نداشته است و این اولین بار است که قبل حضور متهم و تفهیم اتهام به وی قاضی می تواند چنین دستوری را با توجه به اهمیت جرم اتهامی صادر نماید. در ادامه ماده مذکور مدت این قرار شش ماه است و قابل تمدید می باشد.

طبق ماده مذکور انتفای این دستور در صورت حضور متهم نزد مرجع قضایی یا صدور هر یک از قرار های منع، موقوفی یا ترک تعقیب یا انقضای مدت شش ماهه این قرار بدون تمدید آن دستور منع خروج منتفی می شود. ماده ۵۰۹ ق.آ.د.ک^۳ نیز انتفای دستور منع خروج از کشور را با حضور متهم یا دستگیری و جلب وی منتفی می داند زیرا فلسفه وجودی این دستور بیم فرار متهم قبل از حضور در مرجع قضایی می باشد. پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب اگر تصمیم قاضی بر این بود که متهم ممنوع الخروج بشود بدون آنکه متهم اطلاعی از ممنوع الخروج شدن خود آگاهی داشته باشد این دستور به اداره گذرنامه اعلام می شد. اما در سال ۱۳۷۹ بدلیل وجود مشکلات عدیده ای در اعلام و اجرای و موقوفی این تصمیم حادث شده بود رئیس قوه قضاییه بخش نامه ای را در این زمینه اعلام نمودند بر اساس آن بخش نامه به کلیه دادسراهای عمومی و انقلاب کشور اعلام شد که رویه سابق بدلیل هویتی در اشخاص و عدم اعلام رفع دستور منع خروج از کشور توسط مقامات قضایی، از تاریخ ابلاغ این بخشنامه (۷۹/۹/۲۱ شماره ۳۴۴۷/۷۲) دادسراهای ممنوعیت خروج از کشور به دادستانی کل اعلام و زوال موجبات این تصمیم سریعاً به دادستانی کل اطلاع داده شود. در نهایت در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ در ماده ۲۹۲ این امر مقرر شد.^۴

^۱ نظریه شماره ۷/۹۴/۷۴۸ - ۱۳۹۴/۳/۲۵ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: اولاً با عنایت به تصریح ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ و ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قرار منع خروج، متعاقب قرار تامین کیفری صادر می شود و در واقع نوعی قرار تکمیلی و به اصطلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، «قرار نظارت قضایی است. ثانیاً قرار تامین هنگامی صادر می شود که حسب مفاد ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، به متهم تفهیم اتهام شده باشد. ثالثاً اصل تناسب تامین و موجه بودن قرار نظارت قضایی حسب صراحت ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ دلالت بر تفهیم اتهام و ادله و سپس صدور قرار تامین کیفری و در ثانی قرار منع خروج دارد، لذا صدور قرار منع خروج از کشور قبل از تفهیم اتهام و اخذ تامین (یکی از قرارهای تامین کیفری) فاقد وجهت قانونی است. شایان ذکر است موضوع ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ناظر به موردی است که «به متهم دسترسی نباشد» بنابراین، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دو نوع منع خروج از کشور نسبت به متهم پیش بینی شده است، یکی قبل از دسترسی به متهم (موضوع ماده ۱۸۸) و دیگری بعد از دسترسی به وی (موضوع بند ث ماده ۲۴۷) که اولی طی دستوری از سوی مقام قضایی انجام می شود و دیگری طی قرار نظارت قضایی که قابل اعتراض نیز است.

^۲ علی، خالقی، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۱۵۱

^۳ ماده ۵۰۹ - هرگاه اقدامات قاضی اجرای احکام کیفری منتهی به دسترسی به محکوم علیه نشود و بیم فرار وی از کشور باشد، می تواند دستور منع خروج او را از کشور صادر و به مراجع قانونی اعلام کند؛ اما به محض حضور یا دستگیری محکوم علیه نسبت به لغو این دستور اقدام میکند.

^۴ ماده ۲۹۲ - کلیه مراجع قضائی مکلفند در موارد قانونی پس از اتخاذ تصمیم بر ممنوعیت خروج اشخاص از کشور، مراتب را به دادستانی کل کشور ارسال دارند تا از آن طریق به مراجع ذیربط اعلام گردد.

نکته پایانی آنکه آیا دادرسی دادگاه پس از صدور حکم قطعی می تواند قرار ممنوع الخروج از کشور را بر اساس بند (ث) ماده ۲۴۷ تحت عنوان یک نظارت قضایی صادر نماید یا خیر؟ در این زمینه استناد به دو نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه لازم است ۱- نظریه شماره ۷/۱۷۳ مورخ ۱۳۸۰/۳/۹ که مقرر می کرد ((فرض صدور قرار عدم خروج از کشور در ماده ۱۳۳ ق.ا.د.ک ۷۸ در مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی، آن هم تا قبل از اجرای حکم است، پس از قطعیت حکم که نوبت به اجرای حکم می رسد صدور آن به وسیله دادگاه موضوعاً منتفی است و با توجه به ماده ۱۳۳ قاضی اجرای احکام حق صادر کردن قرار ممنوع الخروج شدن را ندارد؛ بدیهی است این امر مانع از آن نیست که در جهت اجرای حکم قطعی به مامورین مرزی دستور دهد که اگر محکوم علیه را در هنگام ورود یا خروج از کشور مشاهده نمودند، برای اجرای حکم قطعی کیفری به اجرای احکام معرفی نمایند)) سپس در نظریه شماره ۷/۱۷۴۴ مورخ ۱۳۸۱/۳/۱ مقرر می کند ((نظر به اینکه قرار تامین در مورد متهم به این منظور صادر می شود که مشارالیه همواره در دسترس باشد و به موقع در دادگاه حاضر شود و در تعقیب همین منظور، مقنن در ماده ۱۳۳ صدور قرار عدم خروج متهم را از کشور با توجه به اهمیت و دلایل جرم حتی قبل از محکومیت وی تجویز نموده است؛ بنابراین در صورتی که پرونده اتهامی متهم منتهی به صدور حکم قطعی شده باشد و اجرای حکم مستلزم حضور محکوم علیه باشد و به تشخیص دادگاه مجری حکم، خروج محکوم علیه از کشور باعث توقف یا تاخیر در اجرای آن شود دادگاه می تواند به استناد ماده ۲۸۳ قانون مذکور و در اجرای بند ۱ ماده ۱۶ قانون گذرنامه اصلاحی ۱۳۶۲، خروج محکوم علیه را از کشور تا خاتمه اجرای حکم ممنوع نماید)) همان طور که ملاحظه شد در رای اخیر اداره حقوقی قوه قضاییه صدور منع خروج از کشور را تا پایان اجرای حکم پذیرفت. در نهایت قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ در ماده ۵۰۹ این اختیار را به قاضی اجرای احکام کیفری واگذار کرد تا در صورتی که به محکوم علیه دسترسی نداشته باشد و بیم فرار وی از کشور رود می تواند دستور منع خروج از کشور را صادر نماید. بر اساس ماده ۲۴۸ ق.ا.د.ک مدت قرار ممنوعیت خروج از کشور به مانند دستور آن شش ماه است و قابل تمدید است در صورتی مدت بگذرد و تمدید نگردد بطور ضمنی به معنای منتفی شدن قرار است این امر که در قانون جدید پیش بینی شده است مشکل اعلام رفع اثر از این قرار را برطرف کرده است زیرا با عدم تمدید این قرار و گذشت مدت آن خود به خود الغاء می گردد.^۳ در اینجا خالی از فایده نیست که به بررسی سایر قرارهای نظارت قضایی پیش بینی شده در ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه که برخی از آنها در لایحه نیز پیش بینی شده بود و در اصلاحات حذف گردید، پردازیم.

در ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ۱۷ مورد قرار نظارت قضایی پیش بینی شده است که توسط قاضی تحقیق یا قاضی آزادی ها و بازداشت صادر می شود و قرار بازداشت موقت از ماده ۱-۱۴۳ الی ۱۵۰ به عنوان ضمانت اجرای قرار نظارت قضایی مقرر شده است. قانونگذار کشورمان در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، تعدادی از قرارهای نظارت قضایی فرانسه را به عنوان قرارهای تامین کیفری و برخی دیگر را تحت عنوان اصلی خود یعنی نظارت قضایی پیش بینی نموده است و بعضی دیگر را اقتباس نموده است. با توجه به اینکه مواردی که قانونگذار ایران از فرانسه اقتباس نموده است در گفتارهای پیشین

^۱ ماده ۱۷ آیین نامه اجرایی نظارت قضایی مقرر می کند؛ در صورت صدور قرار ممنوع الخروجی متهم، قاضی صادرکننده قرار مراتب را با قید مشخصات کامل متهم و شماره ملی و مدت زمان منع خروج، در صورت فوریت از طریق وسایل مخابراتی و الکترونیکی و در غیر این صورت به طور مکتوب، به دادستانی کل کشور اعلام تا به مراجع ذی ربط اعلام گردد. در صورت انقضای مدت قانونی ممنوعیت خروج از کشور و عدم تمدید آن، دادستانی کل کشور باید مراتب رفع ممنوعیت خروج از کشور را بلافاصله به مراجع ذی ربط اعلام نماید. تبصره - در خارج از اوقات اداری و با ایام تعطیل امور فوق توسط دادستانی کل کشور از طریق تعیین قاضی کشیک به عمل می آید.

^۲ ماده ۱۶ اصلاحی قانون گذرنامه برای ممنوع الخروج کردن شهروندان اختیارات گسترده ای را به مقامات قضایی تفویض نموده است: بند اول: کسانی که به موجب اعلام کتبی مقامات قضایی حق خروج از کشور را ندارند.

^۳ ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی قرار نظارت قضایی مقرر می کند؛ مدت اعتبار قرار منع خروج از کشور شش ماه می باشد و قابل تمدید است. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود، این دستور در صورت عدم تمدید خودبخود منتفی خواهد بود و مراجع مربوط نمی توانند مانع از خروج فرد شوند.

ذکر و تشریح گشت در گفتارهای آتی به قرار های نظارت قضایی فرانسوی که در قانون ما پیش بینی نشده است به صورت موردی پرداخته می شود.

۴-۶- التزام به تسلیم اسناد هویتی به دفتر دادگاه

بند ۷ ماده ۱۳۸ ق.آ.د.ک.ف مقرر می کند؛ ((تحويل کلیه مدارک شناسایی هویت و به ویژه روادید، در مقابل دریافت رسیدی که ارزش توجیه کنندگی هویت را دارد، به دفتر دادگاه یا واحد پلیس یا بریگارد ژاندارمری)) همان طور که ملاحظه می شود قانونگذار فرانسوی تودیع مدارک شناسایی هویت شخص از جمله روادید یا گذرنامه را به دفتر دادگاه یا اداره پلیس به عنوان یک قرار نظارت قضایی پیش بینی می کند. جالب اینجاست که تدوین کنندگان پیش نویس لایحه آیین دادرسی کیفری در بند ۱((ه))-۱۲۶ این قرار را به عنوان یک قرار تامین کیفری پیش بینی نموده بودند اما با این تفاوت که در فرانسه تحت عنوان نظارت قضایی تدوین شده بود که در نهایت در مراحل اصلاحات و تصویب قانون آیین دادرسی کیفری بطور کلی این قرار حذف گردید. وجودی این قرار در فرانسه عدم خروج از کشور به وسیله متهم است. زیرا اگر وی روادید نداشته باشد نمی تواند از کشور خارج گردد و تاکید بند ۷ بیشتر بر گذرنامه یا پاسپورت متهم است تا از هر احتمال خروج متهم از مرز کشور جلوگیری کند. اما به هر حال تحويل اسناد هویتی، تجاری، حمل و رانندگی در جهت کنترل بیشتر متهم و اجرای دقیق تر قرارهای نظارت قضایی مفید بود.

۴-۷- التزام به اجرای تدابیر درمانی، پزشکی

بند ۱۰ ماده ۱۳۸ ق.آ.د.ک.ف مقرر می کند((تبعیت از تدابیر مربوط به معاینه، درمان یا مراقبت، حتی هنگام بستری شدن در بیمارستان به ویژه به منظور ترک اعتیاد)) قانونگذار فرانسه به صورت مجزا و مستقل قرار نظارت قضایی با عنوان تدابیر درمانی پیش بینی کرده است که این نشان از درایت قانونگذار فرانسه در زمینه معالجه بیماری های افراد است. زیرا یکی از علل وقوع جرم بیماری متهم از جمله بیماری های روحی و روانی و یا اعتیاد می باشد که درمان آنها ما را به اهداف تدوین نظارت قضایی که پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرم می باشد نزدیک می سازد. در پیش نویس لایحه در بند((د)) ماده ۳۲-۱۲۶ اقدام متهم به درمان اختلالات روانی را پیش بینی کرده بود که در اصلاحات و مراحل تصویب قانون حذف گردید. اما این حذف به

^۱ ماده ۱-۱۲۶ لایحه آیین دادرسی کیفری: به منظور دسترسی به متهم، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه دیده، بازپرس می تواند با توجه به نوع جرم، شخصیت متهم و اهمیت و ادله وقوع جرم، پس از تفهیم اتهام، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر کند:

(الف) التزام به حضور با قول شرف

(ب) التزام به حضور با تعیین وجه التزام،

(ج) التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام،

(د) التزام به معرفی نوبتی خود به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام،

(ه) اخذ اسناد هویت یا اشتغال متهم از قبیل شناسنامه، گذرنامه، کارت ملی، پروانه اشتغال، گواهینامه رانندگی و کارت بازرگانی،

(و) التزام مستخدمان رسمی کشوری یا لشکری به حضور با تعیین وجه التزام پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنها از سوی سازمان مربوط،

(ز) ممنوعیت خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی،

(ح) اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله،

(ط) اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول،

(ی) بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی.

^۲ ماده ۳۲-۱۲۶ لایحه آیین دادرسی کیفری بازپرس می تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، به منظور اصلاح متهم یا تضمین حقوق بزه دیده، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، صادر کند:

(الف) معرفی نوبتی به مراکز یا نهادهایی که بازپرس تعیین می کند،(ب) منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری،(ج) ترک معاشرت با افراد خاص،

(د) اقدام برای درمان اختلال های روانی - رفتاری، (ه) منع اشتغال به کارهایی که زمینه ارتكاب جرم را فراهم می کند،(و) منع صدور چک در مورد جرائم مرتبط با چک،(ز) ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز،(ح) ممنوعیت خروج از کشور.

معنای عدم توانایی بازپرس به صدور این تدابیر نیست زیرا با پیش بینی بند ((الف)) ماده ۲۴۷ بازپرس می تواند معرفی متهم را به مراکز درمانی و اجرای دستورات مربوطه از وی بخواهد.

۴-۸- عدم صدور چک

بند ۱۳ ماده ۱۳۸ ق.آ.د.ک.ف مقرر می کند((عدم صدور چک مگر چک هایی که استثناً اجازه استرداد وجوه توسط صادره کننده را به دارنده چک می دهند یا چک های تضمین شده و در صورت مقتضی، تحویل دسته چک هایی که استفاده از آنها ممنوع است، به دفتر دادگاه)) در لایحه آیین دادرسی کیفری نیز چنین قراری در بند ((و)) ماده ۳۲-۱۲۶ با این عبارت((منع صدور چک در مورد جرائم مرتبط با چک)) پیش بینی شده بود و پیرو آن در ماده ۳۴-۱۲۶ لایحه مقنن مقرر کرده بود ((در مورد قرار منع صدور چک، مراتب به بانک محال علیه اعلام می شود و این بانک مکلف است نسبت به اعلام قرار دادگاه به بانک مرکزی اقدام کند. تبصره: بازپرس در صورت ضرورت، با دادن رسید، دسته چک متهم را جهت نگهداری به بانک مربوط ارسال می کند)) که در اصلاحات و تصویب قانون در اواخر سال ۹۱ توسط کمیسیون امور حقوقی مجلس حذف گردید. در فرانسه تدوین این نوع قرار نظارت قضایی در بند ۱۳، به امتناع متهم از صدور چک جز برای دریافت مبالغی از حسابش که در نزد بانک قرار داشته است و همچنین دریافت چک های تضمینی و در نهایت تحویل دسته چک به دفتر قاضی تحقیق در صورت ضرورت منجر خواهد شد. قابل ذکر است در بند((ج)) ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارت جز مجازات های تکمیلی و نسبت به محکومان صادر می شود.

۴-۹- التزام به مشارکت در تعهدات خانوادگی

دو بند اخیر ماده ۱۳۸ ق.آ.د.ک.ف در مورد تخلفات و جرایم مرتبط با امور خانوادگی که مختص به زوج یا همان مدیر خانواده می باشد، الزامات نظارت قضایی را با توجه به شرایط دو ماده در نظر گرفته است. طبق بند ۱۶ ماده ۱۳۸ در خصوص متهم که وظایف سرپرستی خانواده را به درستی انجام نمی دهد نیز قرار نظارت قضایی پیش بینی کرده است. بر این توجیه که متهم در وظایف خانوادگی مشارکت می کند یا بطور منظم، نفقه هایی که به پرداخت آنها بر اساس تصمیمات قضایی و توافقات مورد تایید نظر قضایی در مورد الزام به پرداخت کمک های مالی، یارانه ها یا مشارکت در وظایف زناشویی، محکوم شده است، اقدام می کند. این نوع قرار نظارت قضایی بیشتر در مورد ترک انفاق صدق می کند که در حقوق ایران نیز جرم است و قانونگذار برای وی مجازات تعیین کرده است.^۱ طبق این قرار متهم الزام به رعایت تعهدات خانوادگی از جمله انفاق به همسر و فرزندان و هزینه های خانوار و حتی اعمال زناشویی می گردد که در صورت امتناع طبق قانون پس از صدور این نوع قرار نظارت الزام به عمل، بر اساس مواد ۲-۱۴۱ بازداشت خواهد شد. لذا ابتدا قاضی تحقیق در متهم غیر متعهد به تکالیف خانوادگی و زناشویی، الزام متهم را پیش می گیرد و در نهایت عدم تمکین متهم به دستورات صادره، بازداشت وی را به همراه خواهد داشت.

۵- نتیجه گیری

سابقه اعمال بازداشت موقت طی دو قرن اخیر توسط اکثر کشورها و آثار و نتایج به وجود آمده از آن در قبال اهدافی ابتدایی که از آن در نظر سیاست گذاران کیفری بود به طور فاحشی فاصله داشته و خود عاملی در جهت ایجاد رشد روحیه مجرمانه در فرد بزهکار یا متهم به جرم بوده است. این در حالی بود که در همان ادوار، دانشمندان حقوق کیفری، جرم شناسان و جامعه شناسان با آثاری که بازداشت موقت و مجازات های سالب آزادی در پی داشت، خواستار تغییر شیوه اعمال کیفر بر فردی بودند که هنوز اتهام وی ثابت نشده و دادرسی نسبت به وی صورت نگرفته تا از اعمال مجازات بر فرد تحت بررسی در لوای اقدام

^۱ ماده ۶۴۲ ق.م.ا.هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماهه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید. که به وسیله ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ نسخ گردید؛ ((ماده ۵۳ - هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می شود.))

تأمینی جلوگیری شود. با تلاش اندیشمندان عرصه حقوق کیفری از جمله آدلف پرنس و مارک آنسل با بهره گیری از تئوری های مکاتب تحقیقی و دفاع اجتماعی، هدف اصلاح و بازپروری فرد با تغییر شیوه واکنش اجتماعی در برابر وی اصلاح و اعمال اقدامات سالب آزادی محدود گردید. به هر دلیلی از نهادهای چون زندان که خود جرم زاست و به عنوان یک دانشگاه جهت حرفه آموزی انواع جرایم از طریق همنوایی با زندانیان چطور انتظار اصلاح داریم در حالی که زندان نهادی است که در قرن بیستم به عنوان یک آسیب اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفت. با پایان جنگ جهانی اول و تشکیل سازمان ملل متحد شاهد توجه هر چه بیشتر نسبت به آزادی های افراد و عدم سلب آن هستیم. نمونه های آن در اعلامیه های مختلف حقوق بشری از جمله ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به آزادی متهم قبل از محاکمه اهمیت می دهند. لذا در این زمان بود که توجه به آزادی های فرد تحت بررسی و رعایت اصل برائت، اصلی که هدف اصلی آن حفظ کرامت و استقلال و آزادی ذاتی انسان است، مورد توجه اکثر نظام های عدالت کیفری قرار گرفت. در نتیجه پیش بینی قرارهای نظارت قضایی با بهره گیری از دیدگاه موسس مکتب دفاع اجتماعی نوین در سال ۱۹۷۰ میلادی با پیش بینی قانونگذار فرانسه در قانون آیین دادرسی کیفری تحول شگرفی را در این کشور به وجود آورد و تئوری زندان، داروی تلخ، به بوته فراموشی سپرده شد. قانونگذار کشورمان با تأسی از فرانسه و تئوری های مارک آنسل در سال ۹۲ به پیش بینی قرارهای نظارت قضایی می پردازد و قرار بازداشت موقت را تعدیل می نماید. سابقه به کارگیری قرار نظارت قضایی در فرانسه نشان می دهد که یک نوع پیشگیری عمومی محسوب می شود. زیرا اعمال آن نسبت به قرار بازداشت موقت در عین حال که آزادی وی را تا حدودی محدود و تحت کنترل قرار می دهد، اما تأثیر به سزایی در کاهش وقوع و تکرار جرم دارد. بنابراین بهترین نوع تأمین در برابر متهم که فاقد جنبه کیفری است این نوع قرارها بوده است. زیرا اهدافی که این قرارها دنبال می کنند به نوعی اصلاح فرد بدون اعمال بازداشت موقت و پیرو آن جلوگیری از تکرار جرم و مهار حالت خطرناک در خاطی می باشد. از طرفی نظام عدالت کیفری با اعمال این قرارها مراحل تحقیقات مقدماتی را با تحت نظر بودن متهم در محیطی غیر از زندان تأمین و راه جبران خسارت و حتی تضمین امنیت بزه دیده از طریق آزادی تحت کنترل و نظارت مقام قضایی از طریق تجهیز به وسایل الکترونیکی یا غیر آن را فراهم می آورد. در حال حاضر بحران جمعیت زندانی در زندان و ظرفیت محدود زندان ها و هزینه های زندان و زندانیان در هر روز، کشور را با چالش رو به رو کرده است که طبق برآورد مسئولین در سال ۹۲ حدوداً هزینه هر زندانی در روز بین ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان است. به طور صریح تنها راه کاهش این تورم جمعیت، اعمال نظارت قضایی در حد قابل توجه خواهد بود. به همین جهت اقدام قانونگذار در حذف بازداشت موقت اجباری از قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ و افزایش تنوع قرارهای جایگزین بازداشت موقت و صراحت ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری تماماً نشانه از عزم دستگاه قانونگذاری در جهت رعایت شأن انسانیت متهم و کاهش جمعیت کیفری زندان هاست. در بررسی تطبیقی اجمالی قرارهای نظارت قضایی ایران و فرانسه به این نتیجه رسیدیم که تمامی قرارهای جایگزین بازداشت موقت در فرانسه تحت عنوان نظارت قضایی می باشند که ضمانت اجرای آنها بازداشت موقت است، اما در حقوق ایران این موضوع متفاوت است و قانونگذار کشورمان قرارهای جایگزین را به دو محور تأمین کیفری و نظارت قضایی تقسیم می کند و ضمانت اجرای قرارهای نظارت قضایی را لغو آنها و اگر عنوان تکمیلی داشته باشند، تشدید قرار تأمین کیفری را در پی خواهد داشت و همچنین متذکر می گردد که ضمانت اجرای قرارهای نظارت قضایی نمی تواند بازداشت موقت باشد، لذا در حقوق ایران تأمین کیفری شدیدتر از نظارت قضایی و به نوعی تحت عنوان ضمانت اجرای نظارت قضایی محسوب می گردد. تفکیک قرارهای تأمین کیفری از نظارت قضایی و امکان جمع قرارهای نظارت قضایی با یکدیگر و نقش مکمل آن در برابر تأمین کیفری موجب می شود برای متهم در آن واحد دو تا چند قرار تأمین صادر شود که این امر برخلاف حقوق فرانسه و حقوق مسلم متهم است؛ زیرا تمامی قرارهای جایگزین در فرانسه به صورت نظارت قضایی پیش بینی شده اند. از طرفی در حقوق کیفری کشورمان بازپرس به عنوان مقام قضایی اصلی صادر کننده قرارهای بازداشت موقت و جایگزین های آن می باشد که با توجه به شرایطی از جمله کمبود بازپرس در جرایم غیر مهم، برخلاف اصول دادرسی منصفانه، مقام تعقیب نیز می تواند به این قرارهای متوسل شود، این در حالی است که در حقوق فرانسه مقام تعقیب حق صدور قرار بازداشت موقت و حتی نظارت قضایی را ندارد و قاضی تحقیق مقام اصلی صادر کننده قرار نظارت

قضایی است و قاضی آزادی‌ها و بازداشت مقام قضایی صالح جهت صدور بازداشت موقت هستند که طبق شرایطی شعبه تحقیق و قاضی آزادیها و بازداشت می‌توانند متوسل به قرار نظارت قضایی بشوند که دوگانگی نظام کیفری ایران و فرانسه کاملاً مشهود می‌باشد. اما در هر حال تدوین قرارهای نظارت قضایی و تعدیل و تنويع قرارهای تأمین کیفری نوین، تحول شگرفی را در جهت تطبیق قوانین کیفری داخلی با اسناد و اعلامیه‌های حقوق بشر جهانی و منطقه‌ای در برابر حفظ و رعایت آزادی‌های متهم، کاهش جمعیت زندان‌ها و هزینه‌های کلان نگهداری بازداشت‌شدگان، پیشگیری از تکرار جرم و مهار حالت خطرناک فرد، رعایت حقوق بزه دیده در جهت ایجاد فرصت جبران خسارت وارده به وی، رعایت حقوق متهم و حفظ کرامت انسانی وی، اصلاح جامعه از طریق اصلاح فرد با عدم ورود افراد به داخل بازداشتگاه‌ها و جلوگیری از معاشرت با زندانیان و و کنترل آنها در محیطی خارج از زندان و همچنین جلوگیری از اشاعه خرده فرهنگ‌های نا صحیح زندان به جامعه پس از آزادی فرد و شخصی کردن قرارهای تأمین کیفری با کاهش آسیب‌های وارده به خانواده زندانیان و کمک به آنها در جهت تأمین معاش و حفظ منزلت اجتماعی و حتی در برخی از افراد حفظ موقعیت شغلی آنها را در صورت اتهام به جرمی فراهم می‌آورد.

منابع

۱. باقری، سعید، ارزیابی قراربازداشت موقت در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۰، ص ۲۲.
۲. برزگران، هومن، قرارهای تأمین کیفری و مقایسه آنها با آئین دادرسی کیفری سابق و جدید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور استان تهران، ۱۳۹۴، ص ۱.
۳. جعفری لنگرودی محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۵۳۱.
۴. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۹، ص ۱۸۴.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران، چاپ سیروس، انتشارات مجلس شورای ملی، جلد سی و هشت، ۱۳۳۶، ص ۱۹۳.
۶. سلیمی، صادق، بخشی زاده اهری، امین؛ تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق، تهران، انتشارات جنگل، چاپ سوم، ۱۳۹۴، ص ۱۵۶.
۷. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۱، ص ۹۷۲.
۸. لارگیر، ژان، آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل زاده، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱.
۹. مدنی، سید جلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر همراه، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۷۶.
۱۰. اله بداشتی سیاهکلرودی، عبدالله، بررسی قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی در لایحه آیین دادرسی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳.